

منسوبات جمشید

اکرم سادات محمدی نوش آبادی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر ادبیات دبیرستان‌های کاشان

شراب جمشید، گنج جمشید، شهرهای جمشید، قره، نوروز ایرانی، وَرجمکرد و هوم یا همان گیاه-خدا، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: جمشید، اسطوره، منسوبات

مقدمه

اساطیر نشان‌دهنده فرهنگ و نحوه تفکر مردمان در دوران کهن و زبان گویای تاریخی از دوران ماقبل تاریخ است. همچنین اساطیر سخنگوی بازمانده‌های گرانبهایی است که از دل خاک بیرون کشیده می‌شود یا در دل سنگ‌ها و کوه‌ها یافت می‌گردد و نماینده تداوم زندگی فرهنگی یک ملت و به نوعی تاریخ است؛ تاریخی که به صورت داستان بیان می‌شود. از هنگامی که بشر به اسطوره توجه کرد زمان بسیاری می‌گذرد. شاید هزاران سال پیش بود که انسان به طور ناخودآگاه مجذوب و شیفته اسطوره شد. از آن زمان، اسطوره جزء جدانشدنی زندگی بشر گردید. انسان اسطوره باور، اسطوره را قدسی و والا می‌پنداشت و در تمامی لحظات زندگی خود، اعمالش را با اسطوره‌های جامعه خویش منطبق می‌کرد و در آن تجلی خدایان و ایزدان و قهرمانان را می‌دید.

از جمله شخصیت‌های محبوب اسطوره‌ای جمشید است. او از کهن‌ترین چهره‌های اساطیری هند و ایرانی و در «اوستا» پسر ویونگهان است. ویونگهان

چکیده

با مطالعه اساطیر و آثار تاریخی و ادبی درمی‌یابیم که بسیاری از ادیبان کارهای عجیبی را به جمشید نسبت داده‌اند و او را اولین شخص و مبدع و مبتکر می‌دانند. اول بودن در هر کار نزد همه ملل اعتبار ویژه‌ای دارد. حتی در تورات برای نخست‌زادگان امتیازاتی قرار داده شده است. این امتیازات برای تشویق نخست‌زادگان به ابداع بسیار سودمند است و از این روی در سنت ایرانی و ادب اسلامی به آن اهمیت فراوان داده شده است.

در این مقاله کوشش می‌شود مطالعات مربوط به منسوبات جمشید شامل انگشتر جمشید و انواع آن، تخت یا گردونه جمشید، جام جم و خطوط منقش بر آن،



نخستین کسی است که هوم را مطابق آیین می‌فشارد و این سعادت به او می‌رسد که صاحب فرزندی به نام جم درخشان یا جمشید شود. جمشید با نام «یم» در هندوستان نخستین کسی از بی‌مرگان است که مرگ را برمی‌گزیند، راه آن را می‌پیماید تا راه جاودانان را به مردم نشان دهد. او سرور دنیای درگذشتگان می‌شود. پدرش ویوسونت و مادرش سرتیو است. جمشید در ایران شخصیتی مقبول و محترم می‌باشد. او پسر طهمورث دیوبند است. در کتاب‌های تاریخی و ادبی، آموزش هنرهای مختلف، ساختن ابزار جنگ، تهیه لباس‌های رزم و بزم، شکافتن سنگ، نحوه دستیابی به گلاب و عود و عنبر، کشف شراب، آوردن نوروژ، درست کردن انگشتر، داشتن تخت و... را به جمشید نسبت داده‌اند. همچنین بنای شهرهای بابل، استخر و تیسفون را مربوط به دوران او می‌دانند. جمشید نخستین کسی بود که قره به او رسید و پادشاه شد. همچنین اولین کسی بود که با دیوان مبارزه کرد و آن‌ها را شکست داد و مردم را از وجود شوم دیوان آگاه کرد و دوران درخشانی برای ایرانیان به ارمغان آورد.

منسوبات جمشید

روایت پیشینیان و سرگذشت آن‌ها آکنده از اشارات و نکاتی است که ما را با ژرفای اندیشه‌های کهن آشنا می‌کند. هیچ ملتی را نمی‌توان شناخت؛ مگر اینکه ریشه‌های باورهای آن ملت را دریافت. گیرایی اسطوره‌هایی ایرانی به حدی است که آدمی را وادار می‌کند تا آن‌ها را جداگانه از میان منابع اساطیری بیرون بکشد و آن‌ها را آن‌گونه که شایسته است بشناسد.

یکی از این چهره‌های محبوب در اسطوره و ادب پارسی جمشید است. جمشید شاه بزرگ ایرانی دوران روشن و درخشانی را برای مردم ایران به ارمغان می‌آورد. اقدامات مهمی را به او نسبت داده‌اند و او اولین شخص و مبدع و مبتکر می‌دانند. در این زمینه مطالعاتی در قالب منسوبات جمشید صورت گرفته است:

۱. «انگشتر جمشید» و انواع آن و

کارهایی که با آن‌ها انجام می‌داده و ارزشی که در آن روزگار داشته و نشان مملکت‌داری بوده است.

۲. «تخت یا گردونه جمشید» که با آن به آسمان می‌رفته است و اینکه آیا این تخت با تخت جمشید پارس ارتباطی دارد یا نه.

۳. «جام‌جم» و خطوط منقش بر آن - که در طول تاریخ اهمیت داشته است - و انتساب اولیه آن به کیخسرو، شاه ایران و کاربرد فراوان آن در ادبیات فارسی.

۴. «شراب جمشید» بسیاری جمشید را کاشف شراب می‌دانند (که خود داستان جالبی دارد) اما نوروژنامه کشف شراب را به شمیران شاه نسبت می‌دهد.

۵. «شهرهایی که جمشید بنا کرد» که عبارت‌اند از: همدان، تیسفون، اصطخر و

در کتاب‌های تاریخی و ادبی، آموزش هنرهای مختلف، ساختن ابزار جنگ، تهیه لباس‌های رزم و بزم، شکافتن سنگ، نحوه دستیابی به گلاب و عنبر، کشف شراب، آوردن نوروژ، درست کردن انگشتر، داشتن تخت و... را به جمشید نسبت داده‌اند

آمل. همچنین او پلی روی دجله ساخت. ۶. «قره»: نیرویی هرمزد آفریده و آسمانی که اول در وجود جمشید تأیید تا بر همگان برتری پیدا کرد و پادشاه شد و جدایی آن نیز باعث از دست رفتن حکومت و حتی زندگی او شد. همچنین انواع قره مطرح می‌شود.

۷. «گنج جمشید»: پادشاهی به آن بزرگی و عظمت و قدرت، گنجی شایگان از خود بر جای می‌گذارد که تخیل ایرانیان را خود مشغول می‌کند و افسانه‌ای از آن زاده می‌شود که مربوط به زمان بهرام گور است.

۸. «نوروژ ایرانی»: بسیاری از بزرگان تاریخ و ادب پارسی نوروژ ایرانی را به

جمشید نسبت می‌دهند و ریشه این رسم اصیل ایرانی و جشن ملی را از دوران حکومت جمشید می‌دانند. بهترین منبع در این باره «آثارالباقیه» اثر ابوریحان بیرونی است.

۹. «ورجمکرد» قلعه یا کاخ یا باغی است که جمشید ساخت تا خوبان را از سرمای ملکوسان حفظ کند.

۱۰. «هوم یا همان گیاه-خدا» که گویند اولین بار پدر جمشید آن را فشرده و قربانی کرد و در مقابل صاحب فرزند عزیزی به نام جمشید شد. این گیاه - خدا خاصیت حیات‌بخشی، شادی‌بخشی و شفابخشی دارد. هوم نوعی شراب یا معجون بوده است و شاید منظور از نوشدارو نیز همین هوم باشد.

انگشتر جمشید

در بند ۷ از «وندیداد» ۲- که مربوط به قصه جمشید است - اهورامزدا گوید: «من به جمشید دو ابزار دادم: یکی اشترا و دیگری سوورا. در معنی «سوورا» اختلاف است، «برخی مثل «رایشلت» تیر و سلاح زرین معنی کرده‌اند و برخی مثل استاد پورداوود، نگین زر.»

در «بندش» هم اشاره شده که بر سر گرز یا شمشیر جمشید نگینی بوده به هر تقدیر، ظاهراً نگین زرد در میان ایرانیان معروف بود که آن را با نگین سلیمان خلط کرده‌اند.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۴۳).

چون آب پشت دست نماید نگین نگین پس مهر جم به خاتم گویا برافکند (خاقانی ۱۳۸۷، ج: ۱، ۱۹۲)

در «لغت‌نامه دهخدا» ذیل جم آمده است که منظور از «خاتم جم» مهر سلیمان است. اگرچه جم پادشاه بوده است، هرچا خاتم جم استعمال شود مراد مهر حضرت سلیمان است.

در نوروژنامه «انگشتری زینتی است سخت نیکو و بایسته انگشت و بزرگان گفته‌اند نه از مروت باشد که بزرگان انگشتری ندارند. نخستین کسی که انگشتری کرد و به انگشت درآورد جمشید بود.»

دنباله مطلب در وبگاه نشریه